



حجة الاسلام والمسلمین  
محمدی ری شهری

فرازهانی از:

# سببیت قضای اسلام

## ویژگیهای قاضی در اسلام

بدون مطالبه، دلیل و برهان.

وقتی شما به دکتر می‌روید و دکتر پس از معاینه در رابطه با بیماری شما نسخه‌ای می‌نویسد و شما آن نسخه را به داروخانه می‌برید و داروهای را که دکتر دستور داده می‌گیرید و طبق نظریه او عمل می‌کنید، شما از دکتر تقلید کرده‌اید، چون بدون اینکه بدانید دکتر بر اساس کدام دلیل چنین نسخه‌ای را برای شما نوشته نظریه او را پذیرفته‌اید و همچنین در تمام مواردی که به متخصصین رشته‌های مختلف علوم در رابطه با نیازهای گوناگون اجتماعی و فردی مراجعه می‌کنید، نظریه‌های آنان را بصورت تقلیدی می‌پذیرید. تقلید در رابطه با قوانین و احکام الهی یعنی رجوع به متخصص شناخت قانون خدا، و عمل کردن به نظریه مجتهد جامع الشرائط. قاضی می‌تواند در صورت ماذون بودن یعنی در صورتی که از طرف مجتهد جامع الشرائط به قضاوت منصوب شده باشد، بر اساس نظریه‌های او قضاوت کند.

در مقاله قبلی بطور مشروح و مستدل عرض کردیم که قضاوت در اصل حق ویژه خداوند متعال است، و انبیا الهی و قضات منصوب از طرف آنها به نمایندگی از آفریدگار جهان حق قضاوت دارند. و نمایندگان خدا باید ولو بطور نسبی متخلق به اخلاق الهی باشند یعنی قانون تکامل انسان را بدانند و وارستگی از سلطه تعالیات داشته باشند، و بر این اساس گفتیم که دانستن قانون و وارستگی، دو شرط عمده قضا در اسلام اند. و نیز توضیح دادیم که علم به قوانین الهی (۱) از دو طریق ممکن است برای قاضی حاصل شود: یکی از طریق اجتهاد و دیگری از راه تقلید، راه اول را در مقاله قبلی بیان کردیم و اینک راه دوم:

### قضا بر اساس تقلید

تقلید یعنی پذیرفتن و عمل کردن به نظریه دیگری و یا دیگران

نکته‌ای که در این رابطه توجه بآن ضروری است اینست که قضاوت بر اساس تقلید، کار هر مقلدی نیست، چون از بس مسائل حقوقی پیچیده است، و مراجعه در هر ساله و در مورد هر حکم بمجتهد امکان پذیر نیست، لذا تا مقلد بهره‌ای از اجتهاد نداشته باشد نمی‌تواند قاضی ماذون باشد، و لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«كَلَّا يَطْمَعَنَّ قَلِيلًا لِقَفِّهِ الْقَضَاءُ»

- یعنی: نباید کسی که از نظر فقهی ضعیف است طمع در منصب قضاوت کند. (۲)

زیرا همانطور که اشاره شد مسائل حقوقی بسیار پیچیده و دارای فروع و شاخه‌های مختلفی است که با دانستن چند ساله یادانستن یک رساله عظیمه بصورت تقلید محض قاضی نمی‌تواند بآن مسائل احاطه یابد و لذا هم موجب تضییع حقوق دیگران می‌شود، و هم خود را هلاک می‌کند.

### عدالت در رابطه با قضا

پیش از این گفتیم یکی از شرائط اصلی قاضی در اسلام، وارستگی او از سلطه تمایلات و هوسرانی است که این وارستگی در بالاترین مرتبه، از آن تعبیر به عصمت می‌شود، و پائین ترین مراتب آن ملکه انجام واجبات و ترک گناهان است که از آن تعبیر به عدالت می‌گردد.

### ملکه عدالت

بسیاری از متأخرین از فقها، شیعه و از جمله امام خمینی «عدالت» را که یکی از شرائط مرجع تقلید و قاضی و امام جماعت و... است، به ملکه انجام واجبات و ترک محرمات تعبیر می‌کنند، و این نظریه به مشهور فقها نسبت داده شده است، و از ظاهر کلام تعدادی از فقها، استظهار شده که عدالت عبارتست از ترک گناهان. (۳)

در رابطه با شناخت تفاوت میان این دو نظریه ضروری است که ابتدا کلمه «ملکه» را تفسیر کنیم:

ملکه یعنی چه؟

ملکه عبارتست از حالت روانی ویژه‌ای که موجب می‌شود فعل با ترک عملی بآسانی انجام شود.

تکرار یک عمل خاص و یا ترک آن موجب می‌شود که در نتیجه تمرین، حالت خاصی در روان انسان ایجاد گردد که آن فعل یا ترک بآسانی از او صادر شود، باین حالتی که پس از تکرار و تمرین حاصل می‌شود، ملکه گفته می‌شود.

مثل کسی که می‌خواهد خیاطی یاد بگیرد، ابتدا دوختن لباس برایش مشکل است ولی بتدریج پس از تمرینهای بسیار، بآسانی از

عهده اینکار بر می‌آید، و در صورتی باو خیاط می‌گویند که ملکه دوزندگی برای او حاصل شده باشد و بآسانی از عهده اینکار برآید یا کسی که می‌خواهد خود را به خام خواری عادت دهد، ابتدا ترک خوردن غذاهای پخته برای او دشوار است، ولی بتدریج پس از تمرینهای زیاد خام خواری برای او ملکه می‌شود، و حتی گاه ممکن است غذاهای پخته برایش ناگوار باشد.

در رابطه با انجام واجبات الهی و ترک محرمات نیز ساله همینطور است، ابتدا نماز خواندن یا روزه گرفتن یا زکات دادن و امر بمعروف و یا سایر واجبات برای انسان مشکل است، و همچنین ترک گناهان برای انسان دشوار است، ولی بتدریج پس از تمرین، حالتی برای انسان پیدا می‌شود که بآسانی واجبات را انجام می‌دهد و محرمات را ترک می‌کند، بلکه بتدریج بجائی می‌رسد که نه تنها نماز خواندن برای او دشوار نیست بلکه نماز نخواندن برای وی دشوار می‌شود، نه تنها واجبات را بآسانی انجام میدهد بلکه ترک واجبات برای او دشوار است، و نه تنها محرمات را بآسانی ترک می‌کند بلکه انجام محرمات برای او دشوار است، این حالت روانی ملکه عدالت و تقوا نامیده می‌شود.

فقهایانی که می‌گویند در قاضی ملکه عدالت شرط است، منظورشان اینست که تا انجام واجبات و ترک محرمات بصورت حالت راسخه نفسانی برای قاضی در نیامده باشد حق قضاوت ندارد، و فقهایانی که می‌گویند ملکه شدن عدالت شرط نیست، منظورشان اینست که صرفاً انجام واجبات و ترک محرمات برای تحقق عدالت قاضی کافی است هرچند بصورت ملکه راسخه نفسانی در نیامده باشد.

تحقیق و بررسی در رابطه با اینکه کدام یک از این دو نظریه بواقع نزدیکتر است از حوصله این مقاله خارج است ولی اجمالاً باید عرض کنم که سپردن مناصب اجتماعی حکومت اسلامی بویژه منصب قضاوت به کسانی که ملکه عدالت و تقوا در آنها تحقق نیافته کاری بس خطرناک است، و هر کسانیکه این ملکه را در خود نمی‌یابند ضروری است که از پذیرفتن این منصب خطرناک امتناع ورزند، و دین و دنیای خود را تباه نسازند که قاضی بر لب پرتگاه دوزخ است، و در مسیری که در لب پرتگاه دوزخ است رفتن و سالم

وارستگی از سلطه تمایلات و هوسرانی در

بالاترین مرتبه، عصمت است و پائین ترین

مراتب آن، ملکه انجام واجبات و ترک

گناهان است که آن را عدالت می‌نامند

ماندن، جز از کسانی که رفتن از این مسیر را تعزین کرده‌اند و  
واجد ملکه تقوا شده‌اند ساخته نیست "اللهم اعصمنا".

## هشداري به قضات جور

روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام دچار چشم درد شدیدی  
شده بود و پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - برای عیادت  
بدیدن او آمده بود که دید علی از شدت درد فریاد می‌زند!  
پیامبر فرمود: "اجزعا ام وجعا"

یعنی آیا بی‌تابی می‌کنی یا درد خیلی شدید  
است؟! .

امام عرض کرد: یا رسول الله تا کنون به دردی شدیدتر از این  
درد مبتلا نشده‌ام!

در اینجا پیامبر اسلام حدیثی همچنان انگیز برای امام بیسان  
فرمود که حالتی برای امام پیش آمد که آنهمه درد را فراموش کرد!  
فرمود: یا علی! وقتی ملک الموت برای قبض روح فاجر می‌آید  
سخی آتشین همراه دارد که بوسیله آن روح او را قبض می‌کند،  
و بلافاصله پس از قبض روح او بدین ترتیب، دوزخ فریاد می‌کند!  
امام علی - علیه السلام - با شنیدن این حدیث چنان  
هیجان زده شد که از بستر بیماری برخاست و نشست و فرمود کنیا  
رسول الله سخت را دوباره برای من تکرار کن که آنچه فرمودی  
دردم را از یاد برد! و توضیح بدهید که آیا از امت شما هم  
کسانی هستند که با این ترتیب جان بدهند!

پیامبر فرمود: آری، سه دسته هستند که با این شکل خواهند مرد.  
"حاکم جائر، و آکل مال الیتیم،  
و شاهد زور".

این سه دسته عبارتند از حاکم جائر، و کسی  
که مال یتیم می‌خورد، و کسی که شهادت به  
دروغ می‌دهد. (۲)

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که: "من ولی القضا فقد ذبح نفسه بغير سكين"  
کسی که متصدی امر قضا شود خود را بدون

چاقو سر بریده است. (۵)

این حدیث را حسام الدین هندی که از محدثین عامه است در  
کتاب کنز العمال نقل کرده، و مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب  
وسائل الشیعه از محمد بن محمد بن مفید در کتاب مفهعات تراجم  
شکل نقل نموده است:

"من جعل قاضیا فقد ذبح غیر سكين"

کسی که به قضاوت منصوب شود، بدون چاقو  
سر بریده شده است. (۶)

و محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل از ابن عباس نقل  
می‌کند که می‌گوید که از پیامبر شنیدم که فرمود: "کسی که متصدی  
امر قضاوت شود بدون چاقو ذبح شده است.  
یکی از پیامبر پرسید که یا رسول الله منظور شما از این ذبح و  
سر بریدن بدون چاقو چیست؟

پیامبر فرمود: مقصود آتش دوزخ است. (۷)

بدیهی است که منظور از این احادیث این نیست که اگر کسی  
واجد شرایط قضا باشد، و قضاوت را بعنوان یک وظیفه الهی  
پذیرفته است کار خلائی کرده، زیرا همانطور که قبلاً توضیح دادیم  
واجدین شرایط قضا با پذیرفتن نه تنها کار خلائی را مرتکب  
نشده‌اند بلکه خط انبیا را دنبال کرده‌اند و مقام نمایندگی خدا را  
احراز نموده‌اند، و همانطور که امام صادق - علیه السلام - فرموده:  
"خیر الناس قضاة الحق"

بهترین مردم، قضات حق اند. (۸)

بلکه مقصود اینست که کسانی که واجد شرایط قضا نیستند، و به  
قضاوت بعنوان یک موقعیت مادی می‌نگرند، و جهت‌ارضای مطامع  
مادی خویش متصدی این منصب می‌گردند، با دست خود و بدون  
اینکه چاقویی در کف داشته باشند خود را ذبح کرده، و تسلیم  
آتش دوزخ خواهند.

تا کنون دو ویژگی از ویژگیهای قاضی در اسلام را که یکی علم  
به قوانین الهی و دیگری عدالت بود مورد بررسی قرار دادیم،  
بخواست خدا در مقاله آینده ویژگیهای قاضی را از دیدگاه علی  
- علیه السلام - مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱ - منظور از این قوانین اعم از احکام واقعی و ظاهری است.

۲ - بحار الانوار جلد ۱۰۴ صفحه ۲۶۴.

۳ - نظریه‌های دیگری در رابطه با تفسیر عدالت وجود دارد که  
نیازی به مطرح کردن آنها نیست و طالبین می‌توانند در این رابطه  
به متون مشروح فقهی مراجعه نمایند.

۴ - وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۱۶۶.

۵ - کنز العمال حدیث ۱۵۰۰.

۶ - وسائل الشیعه، جلد ۱۸ صفحه ۸.

۷ - مستدرک جلد ۳ صفحه ۱۷۳.

۸ - بحار الانوار جلد ۱۰۴ صفحه ۲۶۹.

## سپردن مناصب اجتماعی حکومت

اسلامی - بویژه منصب قضاوت - به

کسانی که ملکه عدالت و تقوا در آنها

تحقق نیافته کار بسیار خطرناکی است